

بررسی تعاملات ابعاد مفهومی هویت دینی و ویژگی‌های ظاهری آب در خانه‌های معاصر

نگین شهابی: دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
امیر فرج‌اللهی راد*: استادیار گروه هنر و معماری، واحد تهران، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، و استاد مدعو گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
وحید احمدی: استادیار گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
حمیدرضا شعاعی: استادیار گروه معماری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

چکیده

در چهارچوب دین مبین اسلام، تمام اجزای هستی باید رو به سوی خدا داشته باشند و هنر اسلامی نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. هر جزئی در نظام خانه به‌صورت توأمان در ظاهر و باطن خود، یاد خداوند را در دل مؤمنان زنده نگه می‌دارد و محیطی آرام را فراهم می‌کند تا انسان مسلمان بتواند در این فضا، سیر و سلوک درونی خود به سوی خدا را تکامل ببخشد. آب در این میان عنصر ارزشمندی است که از دیرباز و پیش از ظهور اسلام نیز مورد توجه ایرانیان قرار داشته است و با ظهور اسلام و به خصوص مکتب تشیع اهمیتی بسیار زیاد در فرهنگ و حکمت اسلامی یافته است. در بررسی تفسیری- تاریخی حکمت اسلامی ۵ عامل در دسته‌ی ویژگی‌های ظاهری دسته‌بندی شدند، همچنین از طریق تحلیل و بررسی آیات و روایت در خصوص مفهوم هویت دینی سکونت در اسلام، ۱۱ ویژگی مورد شناسایی قرار گرفت که به دو دسته‌ی کالبدی و معنایی تقسیم شدند. این ویژگی‌ها به‌صورت دوتایی یکدیگر را تقویت می‌کنند، به نحوی که ویژگی‌های ظاهری آب، ابعاد معنایی هویت دینی را بهبود می‌بخشند. این ارتباط با استفاده از روش نمونه موردی، با مطالعه‌ی نمونه‌هایی از مسکن تاریخی و معاصر شهر یزد، مورد بررسی و آزمون قرار گرفتند. در نهایت پیشنهادهایی برای تقویت و احیای نظام حکمی به‌کارگیری آب در خانه‌های معاصر با هدف ارتقای هویت دینی خانه‌های معاصر یزد ارائه شد.

واژگان کلیدی: ویژگی‌های ظاهری آب، هویت دینی، مسکن تاریخی شهر یزد، خانه‌های معاصر.

Investigating the Interactions between Conceptual Dimensions of Religious Identity and Physical Characteristics of Water in Contemporary Dwellings

Abstract

All parts of existence should be divine within the framework of Islam, so Islamic art also must obey this general rule. Any part of the house should apparently and inherently draw the attention of believers towards the God providing a peaceful place where Muslims can evolve their inner behaviors and conducts towards God. Water is a precious element that has been at the center of attention of Iranian people from ancient times before the advent of Islam. Water has become more important in the Islamic culture and wisdom after the advent of Islam, especially in the Shia religion. According to the interpretive-historical assessment of Islamic wisdom, five factors were classified under the physical characteristics category.

Moreover, 11 characteristics were identified through analysis and review of verses and narratives about the religious identity of residents in Islam. The mentioned characteristics were divided into two physical and semantic categories. These characteristics amplify each other in pairs so that the physical characteristics of water improve the semantic dimensions of religious identity. This association was examined and tested using the case study of historic and contemporary houses in Yazd City, Iran. Finally, this study provided some recommendations to strengthen and revive the jurisprudential system of using water in contemporary dwellings to promote the religious identity of contemporary houses in Yazd.

Keywords: water characteristics, Religious identity, Yazd, Contemporary Houses.

مقدمه

نظام‌مند شدن جریان آب در قالب شکل‌های هندسی در اکثر بناهای دوران اسلامی متجلی شده و به نحوی مرکزیت و وحدت در معماری در سایه حضور آب شکل می‌گیرد. مرکزیت آب در معماری در دوران ساسانی از آتشکده آذرگشسب و معبد آناهیتا در بیشاپور آغاز شد. در دوران اسلامی ما شکل تکامل‌یافته‌تری از حضور و نظام‌مند شدن جریان آن را شاهد هستیم و حرکت پرخروش آن در مفاهیم مذهبی، ادبی و هنری فرهنگ ما جاری شد. مفاهیم قرآن کریم از بهشت، چشمه‌های جوشان و نهرهای روان آن، به الگوی الهام‌بخش معماران تبدیل شد. در بعضی از آیه‌های قرآن، از آب به صورت جویبار یاد شده و آب جاری نشانه حیات و زندگی ابدی است. در آیاتی دیگر آب، هدیه خداوند و یادگاری است که هستی از آن زاده می‌شود. در ادبیات و عرفان مراد از آب، معرفت است چنان‌که مراد از حیات نیز معرفت است. آب حیات کفایت از چشمه عشق و محبت است که هر که از آن بچشد جاویدان گردد. به این ترتیب آب چنان در ساخت و ترکیب بناهای ما وارد شد که عملاً نمی‌توان آن را از محیط ساخته شده جدا دانست. در مساجد آب علاوه بر نقش تطهیر، خود جنبه نمادین نیز دارد. آب هم نماد زندگی و هم نماد مرگ است (آب جاری سمبل زندگی و آب راکد سمبل مرگ) و همچون پلی بین دنیای زمینی و عالم ماوراءالطبیعه عمل می‌کند. طبیعت آب، پاک و مقدس است.

اعتقاد جوامع دینی بر این است که انسان دارای یک هویت ظاهری و هویت باطنی است که این دو با یکدیگر هم‌پوشانی داشته و تفکیک‌ناپذیرند. در اصل هویت ظاهری به تعیین مبانی زمینی و کالبدی می‌پردازد و هویت باطنی به مفاهیم الهی و دینی نظر دارد. در محیط کالبدی خانه‌های سنتی ایران که بر اساس هویت اسلامی ساخته شده‌اند نیز ما هر دو شکل ظهور و بروز هویت اسلامی و دینی را شاهد هستیم. در چنین خانه‌هایی هویت ظاهری خانه در پی پاسخ‌گفتن به نیازهای انسانی است و هویت دینی نیز بر اساس نیازها و اعتقادات دینی و معنوی ساکنان شکل گرفته است. در خانه سنتی شهر یزد، با توجه به اقلیم سخت و طاقت‌فرسای کویری، همواره سعی بر این بوده تا شرایط مناسب زیستی را در داخل خانه فراهم آورند و ساماندهی عناصر کالبدی به نحوی باشد که مانع از نفوذ هوای نامناسب کویری به داخل خانه شوند. این بدان معناست که هویت ظاهری آن درصدد ایجاد یک قلعه مستحکم با یک حصار، بدون هیچ‌گونه روزن به استثنای ورودی و در امتداد آن بهشت زمینی خانه یعنی حیاط مرکزی بوده و هویت باطنی آن با تبلور الگوهای دینی معنا می‌یافته که با روح و جان ساکنین مذهبی آن سازگار بوده است.

این مساله قصد دارد هر دو جنبه‌ی هویتی (ظاهری و باطنی) خانه را مورد کاوش قرار دهد. منظور از هویت باطنی در این

تحقیق، همان جنبه‌هایی از هویت باطنی است که از دین مبین اسلام برمی‌خیزد. خانه و به‌طور خاص خانه‌های شهر یزد، تجلی‌گاه هر دو بعد این هویت تاریخی و اسلامی به شمار می‌روند. این پژوهش با این پیش‌فرض به سراغ مساله رفته است که بازشناسی اصول و الگوهای هویت دینی در تاریخ معماری می‌تواند در بازآفرینی و اصلاح هویت خانه‌های معاصر به معماری و معماران یاری دهد تا بتوانند همچون هم‌صنف‌شان در گذشته، هویت ظاهری و باطنی خانه‌ها را هماهنگ و همسو کنند. حل این مسئله مستلزم داشتن نگاهی معنایی به مساله‌ی خانه است. زیرا پرداختن به ریشه‌ها، در نگاه معناگرایان با نگاه کالبدی و شکل‌گرا تفاوت دارد. در نگاه معنایی محقق به دنبال آن نیست که تکامل کالبدی را بیابد؛ بلکه به دنبال ریشه شکل‌گیری پیوند کالبد و معنا و کیفیت این ارتباط است. یکی از دلایل نیاز به پرداختن به ریشه‌ها، نقش اساسی و مهم آن در هویت‌بخشی به پیروان کنونی یک دین و یا مسلک خاص است. از هنگام شکل‌گیری یک دین جدید الهی، پیروان آن خود را با هویت و شخصیتی جدید می‌بینند و این به وسیله محتوای دین جدید به وجود می‌آید. محیط تنها در صورتی به محیط اجتماعی با معنایی تبدیل می‌شود که امکاناتی غنی در تعیین هویت به ما ارزانی دارد. این وظیفه معمار است که در طول فرآیند طراحی، در قالب استفاده از اشکال، فرم‌ها و سازمان‌دهی‌های متفاوت، این امکان را برای ساکنان فراهم آورد. برای نمونه این معمار است که خانه را به‌گونه‌ای که امنیت و آرامش را فراهم آورد، طراحی می‌کند (شولتز، ۵۳، ۱۳۹۲). بنابراین در گذشته که خانه‌های سنتی یزد توسط معماران مسلمان احداث می‌شد، نهایت سعی و دقت برای تأمین آرامش فیزیکی و روحی ساکنین در آن صورت می‌گرفت. در این فرآیند، آرامش فیزیکی از طریق راهکارهای اقلیمی و کالبدی تأمین می‌شد و اصول و معیارهای دین مبین اسلام، آرامش روانی و معنوی ساکنان را تضمین می‌کرد. از طرفی دیگر معمار و عامه مردم هر دو از ارزش‌های اخلاقی مشترکی تبعیت می‌کردند و بنابراین خانه‌ای که شکل می‌گرفت با روح و باور هر دو مطابقت داشت؛ بنابراین هدف از پژوهش حاضر بررسی تعاملات ابعاد مفهومی هویت دینی و ویژگی‌های ظاهری آب در خانه‌های معاصر می‌باشد.

مبانی نظری پژوهش

آب در فرهنگ و معماری

ایرانیان از دیرباز اهمیت و تقدس آب را در نظر داشته‌اند به نحوی که هرودت می‌نویسد: «ایرانیان در میان‌رود، بول نمی‌کنند، در آب تفو نمی‌اندازند. در آن دست نمی‌شویند و تحمل هم ندارند که دیگری آن را به کثافتی آلوده کند» (به نقل از عرب گلپایگانی، ۱۳۷۶، ۵۹). یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان مؤمن و زیست‌مؤمنانه، احترام به همه

چیزهایی است که یاد خدا را در دل زنده نگاه می‌دارد. این خصوصیت در مردمان ایران باستان به خصوص در مقابل آب دیده می‌شود، این ماده‌ی حیاتی در همه‌ی آیین‌های ایران باستان از مقام والایی برخوردار است و یکی از مقدس‌ترین عناصر طبیعی در نزد ایرانیان باستان به شمار می‌رفته است (بهنام، ۱۳۹۴، ۳۴۰). توجه و اهمیت ایرانیان به عنصر آب تا آنجاست که معبد آناهیتا را به نام فرشته آب برپا می‌کنند (ورجانود، ۱۳۶۳، ۳۲۰). یک ساختمان در کنگاور کرمانشاه (کامبخش فرد، ۱۳۷۴) و دیگری در نزدیکی شهر کازرون در استان فارس کنونی که به نام شهر باستانی بیشاپور شهرت دارد. همچنین آبان (هشتمین ماه سال شمسی) به نام ایزد نگهبان آب نامیده می‌شود (پورمند، ۱۳۹۳، ۱۹) از سوی دیگر معماری مسلمانان پیوند تنگاتنگی با عبادات روزانه مسلمانان دارد. اهمیت قبله و جهت‌دهی آن به آداب مذهبی دین مبین اسلام، باعث شده اکثر مؤلفه‌های هنر اسلامی و تزئینات و هنرهای به کار گرفته‌شده در آن، در کنار یکدیگر وحدت یافته و بر اساس اصول اسلامی تنظیم شوند. این همان وجه ممیزه‌ای است که هنر اسلامی را از سایر هنرهای دینی متمایز می‌سازد (موسوی لر و کاظمیان مروی، ۱۳۹۱، ۶۳). در سنت دین اسلام، قرآن تجلی حقیقت خداوندی است که بر پیامبر نازل شده است؛ بر همین اساس در نظر مسلمانان قرآن کلمه الله است و هنر دینی نیز در سنت اسلام، بر حول محور قرآن و ارزش‌های آن سامان یافته است و به هنر اسلامی در مقابل دیگر هنرها موقعیتی ممتاز می‌بخشد (خزایی و افهمی، ۱۳۸۳، ۱۲۱).

در فرهنگ اسلامی آب به عنوان مایه‌ی حیات و اصل حیات هر پدیده‌ای، همچنین نماد زندگی، بهشت، پاکی و نشانه‌ی زیبایی و آبادانی مورد اشاره قرار گرفته است (امین پور، ۱۳۹۶، ۶۸). در هر فرهنگ دینی که به وجودی متفاوتی معتقد است، آب اهمیت و تقدس دارد. در فرهنگ اسلامی اعمالی همچون وضو گرفتن، غسل، تطهیر، شست‌وشوی اموات، آب‌پاشیدن در بدرقه مسافر و آب‌پاشی بر گور درگذشتگان، به علاوه‌ی مثل‌ها و حکایات عامیانه، اهمیت و ارزش آب را نشان می‌دهند (نقی‌زاده، ۱۳۸۲، ۷۳). «آب هم خنک‌کننده، هم روان و هم آینه‌ای لطیف است. آب با خنکای مطبوعش جان‌ها را طراوت می‌بخشد و با فواره‌ای که آن را به اوج می‌رساند و دوباره فرود می‌آید، معانی روح‌آشنایی را متذکر می‌شود» (حسنی‌پناه و وثوق‌زاده، ۱۳۹۸، ۱۴۹).

نحوه‌ی نگرش جامعه‌ی معاصر به آب و به تبع آن نحوه‌ی استفاده از آن نسبت به تاریخ عنصر آب در ایران، کاملاً متحول شده است. به‌صورتی که می‌توان گفت، برخورد مثال‌زدنی و هوشمندانه‌ی پیشینیان با عنصر آب، امروزه از میان رفته و ارزش و احترام آب در جامعه‌ی معاصر ما نسبت به دیگر کشورها، نزول داشته است. این نکته زمانی

ابعاد مفهومی هویت دینی

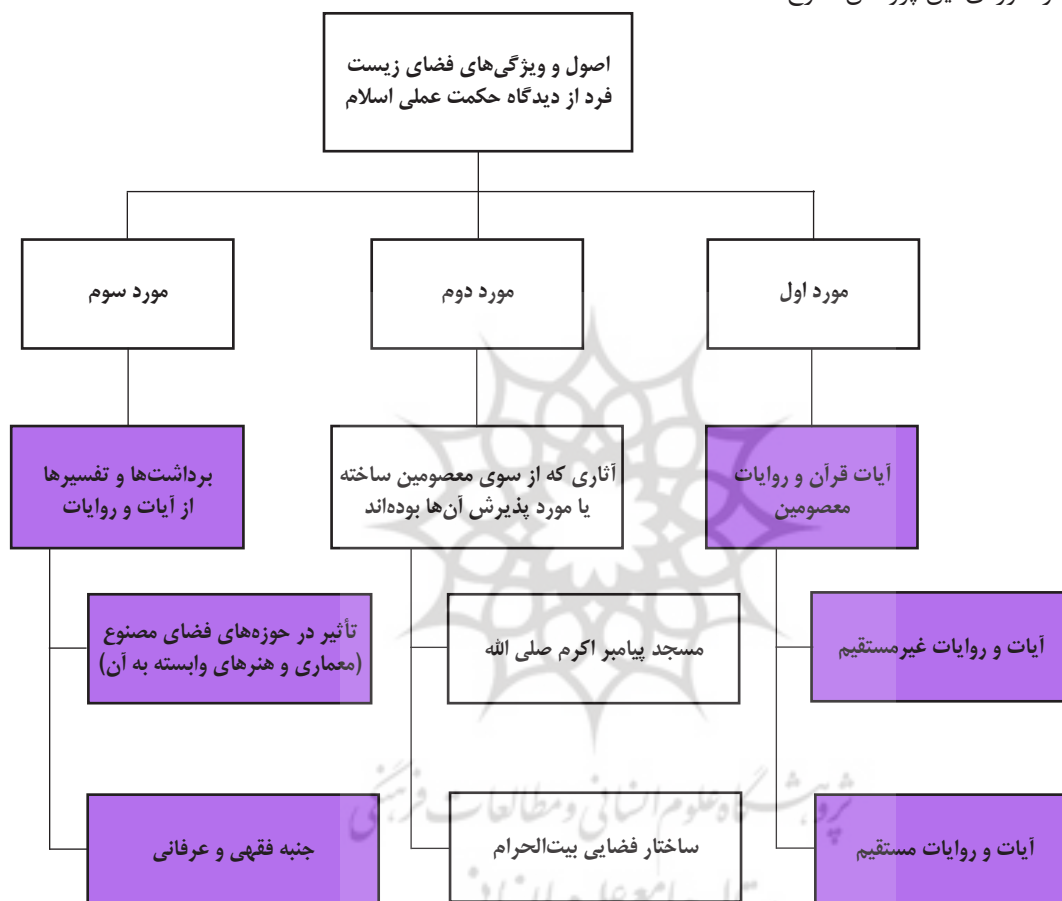
اهمیت می‌یابد که بدانیم، کشورهای اروپایی و آمریکایی که ما در شکل استفاده از آب، مقلدشان شده‌ایم، به منابع آبی بسیار بیشتری دسترسی دارند (نقی‌زاده، ۱۳۸۲، ۸۶). با این حال عناصر فرهنگی را نمی‌توان به‌صورت مجزا مورد تحلیل و بررسی قرار داد، این عناصر جز در ارتباط و کنش متقابل با یکدیگر، معنای خود را آشکار نمی‌کنند. همچنین در جوامع سنتی، جنبه‌های اقتصادی و غیراقتصادی به شدت به هم وابسته‌اند، فرهنگ ارزش‌های موجود در یک حوزه را با دیگر ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هماهنگ می‌کند و نظام ارزشی متحد و هم‌خوانی ارائه می‌دهد. فرهنگ بستر کلی تمامی پیوندها و روابط و هماهنگی‌ها و هم‌نوایی‌هاست که عناصر بیگانه را در خود جذب و هضم می‌کند و عناصر غیرقابل ترکیب را از خود دفع کرده و یا به شیوه‌های خاصی آن‌ها را محدود و محصور نگاه می‌دارد (فرهادی، ۱۳۹۰، ۸۲).

درباره هویت دینی محیط مصنوع در معماری نظریه‌های مختلفی بیان گردیده است. برخی از معماران، بنیاد هویت دینی را در شناختی می‌دانند که از انسان و هستی و ارتباط بین آن‌ها به‌دست می‌آید. از نظر این اندیشمندان، اسلام این مسئله را در دو ساحت بینشی و ارزشی مطرح ساخته است. از یک‌سو تعریف ویژه‌ای از هستی و جایگاه و هدف انسان ارائه می‌دهد و از سوی دیگر برای جملگی امور زندگی فردی و اجتماعی قواعد ویژه‌ای وضع می‌نماید. در این میان ارتباط انسان با خود، ارتباط انسان با دیگران، ارتباط انسان با طبیعت و ارتباط انسان با خداوند از راه‌های نیل به هدف تعالی و تکامل انسان است (حجت، ۱۳۷۸، ۵). در آثار معماری دوره اسلامی ایران نیز، انعکاس اصول اعتقادات اسلامی به‌صورت توأمان با انعکاس احکام شرعی ملاحظه می‌گردد. در حقیقت، عدم توجه به هویت معنوی و دینی در معماری معاصر مفهوم انسانیت را نیز با بحران مواجه کرده است.

در واقع، دین یا همان مبنای جهان‌بینی انسان، تعریف‌کننده طبیعت و رابطه انسان با طبیعت، مؤثر بر شکل‌گیری کالبد آثار انسانی، شکل‌دهنده فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی، تعریف‌کننده عملکردهای غالب محیط زندگی و مؤثر بر سیر تاریخ یک ملت است و به این ترتیب ضمن آن که می‌توان از هویت دینی به‌عنوان مرتبه‌ای از هویت نام برد، باید توجه کرد که سایر انواع هویت نیز از هویت دینی که تجلی‌گاه تفکر و جهان‌بینی جامعه به شمار می‌رود، تأثیر گرفته است. با این حال نمی‌توان این نکته را انکار کرد که تفکر و جهان‌بینی جامعه در دوران سنتی و دوران مدرن متفاوت است. برای مثال در نگاه سنتی، انسان در جهانی زندگی می‌کند که فقط یک مبدأ و مرکز دارد. او نسبت به آن در آگاهی کامل به سر می‌برد. مبدائی که مشتمل بر

کمال، پاکی و تمامیتی است که بشر سنتی در آرزوی رسیدن به آن می‌سوزد و تلاش می‌کند، آن را به‌دست آورد و انتقال دهد. او روی دایره‌ای زندگی می‌کند که پیوسته از آن مرکز باخبر است و در زندگی، اعمال و اندیشه‌هایش رو به سوی آن مرکز دارد (نصر، ۱۳۸۰، ۱۳۳)

نمودار (۱) به وضوح روند شناخت و بررسی اصول فضای زیست را براساس هویت دینی نشان می‌دهد. لازم به ذکر است در این پژوهش، الگوی بازشناسی هویت دینی در مسکن بر مبنای موارد اول و سوم شکل، یعنی شناخت آیات و روایات مستقیم و غیرمستقیم و برداشت‌ها و تفاسیر آن‌ها قرار گرفته است؛ بدیهی است مورد دوم شکل یعنی آثاری که از سوی معصومین ساخته شده‌اند، به دلیل ماهیت و کاربرد آن که مسجد است و ارتباطات فضایی متفاوتی با معماری مسکن دارد، از حوزه این پژوهش خارج است.



نمودار ۱: ویژگی‌های فضای زیست از دیدگاه حکمت عملی اسلام (منبع: نگارنده)

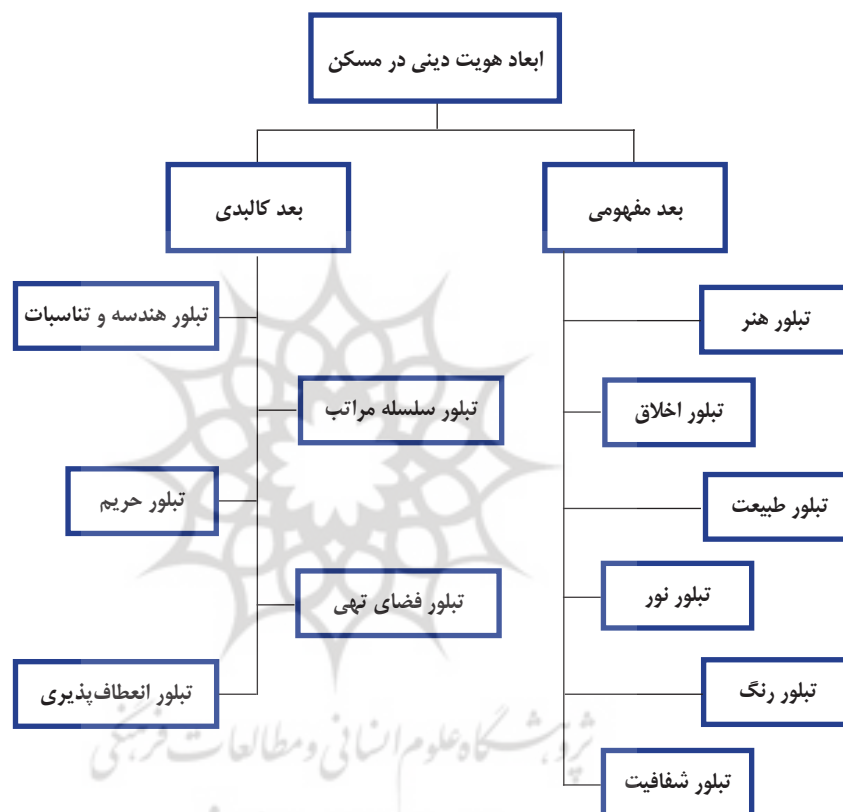
قرار می‌گیرند.

ویژگی‌های ظاهری آب

اهمیت عنصر آب در ایران، پیش و پس از اسلام باعث شده است معماری ایرانی برای شکل دادن به آن و تکریم ارزش این عنصر حیاتی، دست به ساخت آب‌انبارها بزند. همچنین پادیاوهایی در کنار مساجد ساخته می‌شد تا نمازگزاران بتوانند پیش از وارد شدن به خانه‌ی خدا، آلودگی‌ها را از سر و تن خود پاک کنند. پادیاوها رفته‌رفته از صحن مساجد به درون خانه‌ها نیز راه یافتند. به دلیل معماری درون‌گرای خانه‌ی ایرانی، پادیاوها درون خانه، می‌توانستند به شکل

پس از بررسی آیات قرآن و احادیث مربوط به خانه، مسکن و موارد مربوط به آن، الگوی هویت دینی در قالب ۱۱ مورد تبیین شد که ۶ مورد آن به ابعاد مفهومی و ۵ مورد آن به ابعاد کالبدی اختصاص دارد. ابعاد مفهومی، تبلور هنر، اخلاق، طبیعت، نور، رنگ و شفافیت را شامل می‌شود و در ابعاد کالبدی هندسه و تناسبات، سلسله‌مراتب، حریم، فضای تهی و انعطاف‌پذیری موردتوجه قرار گرفته است. براین اساس و در راستای بازشناسی و بازآفرینی ابعاد و الگوهای دریافت شده در مسکن، نمونه‌های انتخابی از مسکن شهر یزد معرفی و در ادامه این الگوها، در نمونه‌های موردی از مسکن سنتی و معاصر، مورد بررسی تطبیقی

گودال باغچه ظاهر شوند و این فضای دل‌انگیز با یک حوض تکمیل می‌شد (نقی‌زاده، ۱۳۸۲، ۸۱). مرحوم پیرنیا در مورد شکل حوض‌های ایرانی می‌نویسد: «این حوض‌ها در شکل‌های شش ضلعی ایرانی، دوازده ضلعی، مستطیل با تناسب طلایی بوده‌اند و در بعضی شهرها مثل شیراز آن را گرد می‌ساختند (پیرنیا، ۱۳۷۲). به‌طور معمول حوض‌ها در وسط حیاط و یا در مقابل عمارت اصلی جانمایی می‌شوند (سهیلی و گل‌باطن مفرد، ۱۳۹۷، ۲۵۶). در ایران مکان‌یابی حوض در مقابل نمای قصرها سابقه‌ای طولانی دارد. برخی از پژوهشگران حوض‌های رو به کوشک و ایوان را به باورهای مهرپرستی و تقدس آن‌ها در ایران ارتباط داده‌اند و آن را تمثیلی از هموردی نور و ظلمت دانسته‌اند (خدنگی و همکاران، ۱۳۹۴، ۶۹). حوض آب درون خانه، علاوه بر افزایش رطوبت و کاهش دما در خرد اقلیم خانه (نایبی، ۱۳۸۱) که تأمین‌کننده‌ی آسایش جسمانی است، نمادی از پاکی باطنی نیز می‌باشد. حوض نمادی از آب‌های بهشتی است که زندگی درون خانه را در هر دو سطح جسمانی و معنوی به جریان می‌اندازد (حنیف، ۱۳۹۷، ۳۸).



نمودار ۲: ابعاد هویت دینی در مسکن سنتی (منبع: نگارنده)

حوض‌ها ابزاری در معماری ایرانی هستند که برای انعکاس زیبایی محیطی و نمایش مضاعف آن به کار گرفته می‌شوند. ایرانیان از دیرباز استخرهای بزرگ با آب ساکن را به دلیل تیرگی و انعکاس تصاویر بنا در آن، تحسین می‌کردند. این حوض‌ها قدری بالاتر از سطح اصلی حیاط ساخته می‌شدند و همواره لبریز نگاه داشته می‌شدند. به همین دلیل آبروهایی در اطراف حوض تعبیه می‌شد که آب اضافی به درون آن سرریز کند. این آب ساکن که از فاصله‌ی نزدیک، به نظر نامحدود و بی‌کرانه به نظر می‌رسید، محیط اطراف را در خود منعکس می‌کرد و انسان مشاهده‌گر را به تأمل وادار می‌داشت. با این حال این آب به شدت شکننده و بی‌ثبات است، زیرا با نسیمی به تلاطم می‌افتد و سوبه‌ی دیگر آب را به مخاطبان خود نشان می‌دهد. آب ساکن به ثبات، آرامش، صلح و آشتی اشاره دارد (طوفان، ۱۳۸۵، ۱۳). به غیر از حوض که عنصر ثابت آبی خانه‌های ایرانی است، در هر اقلیمی با توجه به نیازهای خاص و امکانات در دسترس، ابداعات و ابتکارات دیگری نیز ظهور کرده‌اند. به عنوان مثال حوض‌خانه در خانه‌های کاشان و آبادی‌های نزدیک آن مانند فین و آران؛ مکانی مسقف و سرپوشیده به همراه یک حوض است که قنات از آن عبور می‌کرده (امینیان، ۱۳۸۷).

با وجود حوض، دیگر کسی نمی‌تواند به مرکز حیاط دست یابد زیرا آب مانع حضور انسان در این فضا می‌شود (حسنی‌پناه و وثوق‌زاده، ۱۳۹۸، ۱۵۰).

را به مخاطبان خود نشان می‌دهد. آب ساکن به ثبات، آرامش، صلح و آشتی اشاره دارد (طوفان، ۱۳۸۵، ۱۳). به غیر از حوض که عنصر ثابت آبی خانه‌های ایرانی است، در هر اقلیمی با توجه به نیازهای خاص و امکانات در دسترس، ابداعات و ابتکارات دیگری نیز ظهور کرده‌اند. به عنوان مثال حوض‌خانه در خانه‌های کاشان و آبادی‌های نزدیک آن مانند فین و آران؛ مکانی مسقف و سرپوشیده به همراه یک حوض است که قنات از آن عبور می‌کرده (امینیان، ۱۳۸۷).

با وجود حوض، دیگر کسی نمی‌تواند به مرکز حیاط دست یابد زیرا آب مانع حضور انسان در این فضا می‌شود (حسنی‌پناه و وثوق‌زاده، ۱۳۹۸، ۱۵۰).



نمودار ۳: ویژگی‌های ظاهری آب در خانه‌ی ایرانی

به پیشنهاداتی در جهت ارتقای خانه‌های معاصر از طریق بازخوانی دانش گذشتگان در خصوص این مایه‌ی حیاتی دست یابد. بر همین اساس و با توجه به گستردگی منابع، از روش تحقیق ترکیبی، شامل روش‌های تفسیری- تاریخی، توصیفی- تحلیلی و نمونه موردی استفاده کرده است. همچنین با استفاده از روش دلفی روایی مدل مفهومی ارائه شده در این پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفته است که پس از اجماع نظر کارشناسان با ۷۵ درصد مشارکت و با درجه زیاد و شاخص ۳.۹۵ از ۵ مورد موافقت و تأیید قرار گرفته است.

جدول ۱: نتایج ارزیابی روایی مدل مفهومی پژوهش

معاصل کیفی	میانگین	گزاره‌های مدل مفهومی
زیاد	۳,۹۴	ویژگی‌های ظاهری آب - ابعاد مفهومی هویت دینی
زیاد	۴,۰۰	آفریننده - طبیعت
زیاد	۳,۵۰	بازتابندگی - تبلور هنر
زیاد	۴,۰۰	بی‌کرانگی - تبلور نور
خیلی زیاد	۴,۴۰	پاک‌کننده - اخلاق
زیاد	۳,۶۷	تکثیربخشی - تبلور رنگ
زیاد	۴,۱۷	فاقد کیفیت ظاهری - تبلور شفافیت

برای تحلیل الگوهای هویت دینی، ۱۰ نمونه از مسکن سنتی و ۱۰ نمونه از مسکن معاصر انتخاب شده‌اند. نمونه‌های انتخابی شامل خانه‌های سنتی عرب کرمانی، اردکانیان، علی‌رضا عرب، فاتح‌ها، گرامی، گلشن، بی‌بی رقیه، لاری‌ها، ریسمانیان و تهرانی‌ها هستند که در این خانه‌ها موارد

یکی از عناصر مهم مرتبط با آب که فضای میانسرا یا حیاط مرکزی را تکمیل می‌کند، آب‌نماست. در دوران اسلامی، آب‌نما علاوه بر نقش معمارانه‌اش (تشکیل بستری نرم) و ایجاد حس وحدت با بدنه‌ها، محلی برای تجدید وضو و پاک و طاهر شدن نیز هست (پورمند، ۱۳۹۳، ۲۲). حوض‌ها همواره به منبعی نیاز دارند که آب موردنیازشان را تأمین کند، یکی از این منابع‌ها فواره است. فواره‌ها در ساده‌ترین شکل خود، به لوله‌ای در میان یک حوض محدود می‌شوند که جوششی آرام به آب می‌بخشد و مانع از راکد ماندن آن می‌شود. فواره‌های عمودی، آب را به‌صورت قائم و با ارتفاع نسبی پرتاب می‌کنند و فواره‌های عمودی با ارتفاع کمتر، یک کمان آبی را تشکیل می‌دهند. شکل‌های متفاوت آشکار شدن آب، مانند فوران کردن، شره کردن یا غلغل کردن، همه از ویژگی‌هایی است که به کمک فواره‌ها خلق می‌شوند. فواره‌ها می‌توانند آب را آرام نشان دهند و یا نمایشی شورانگیز و پرهیجان ارائه دهند. فواره‌ها در فضاهای داخلی و خارجی، موسیقی آب را به دل فضاها می‌کشاند و به فرح‌بخشی و غنای حسی فضا می‌افزایند (خدنگی و همکاران، ۱۳۹۴، ۷۵).

خانه‌ی سنتی تمثیلی از نظام هستی است که آب در مرکز آن قرار دارد، همچون نظام اجتماعی مسلمانان که وحی عنصر مرکزی آن است و همه‌ی اجزا در این خانه رو به سوی خدا دارد. همان‌طور که در بخش‌های قبلی به آن اشاره شد، آب و وحی به این دلیل که هردو مظهری از رحمت و حیات‌بخشی خداوند هستند، پیوند وثیقی با یکدیگر دارند و معمار مسلمان نیز به همین دلیل در طراحی و ساختن خانه‌ی سنتی، آب را در مرکز نظام کالبدی خانه قرار می‌دهد. این مرکزیت اما دلایل دیگری نیز دارد. قرار دادن هر عنصر دیگری در مرکز هندسی حیاط، تنش و عدم تعادل در پی دارد، اما آب در مرکز خانه، هم مرکزیت خانه، قلب خانه را از دسترس خارج می‌کند و در عین حال، محدودیتی برای محورهای بصری و دید در میان فضاهای خانه ایجاد نمی‌کند. معمار ایرانی در بازپردازی نظام هستی، تنها به تقلید عین به عین از آن راضی نمی‌شود؛ بلکه عناصر طبیعی را به نحوی در خانه به کار گرفته است که بیش‌ازپیش تفکر برانگیزد. معماران ایرانی فیزیک آب را می‌شناسند و آن را به درون خانه می‌آورد. از سوی دیگر به این دلیل که آب در نظام ایستایی خانه، نقشی برعهده ندارد، به ماده‌ای در دست‌ان معمار تبدیل می‌شود تا تضادهای نمادین را نمایش دهد و مفاهیم معنایی و باطنی را در کالبد خانه هویدا و آشکار کند.

روش تحقیق

این پژوهش در نظر دارد با بررسی ویژگی‌های ظاهری آب از طریق مطالعات اسنادی و میدانی، حوزه‌ی دانش معماری ایران در این زمینه را گسترده‌تر سازد و بر اساس این دانش

مرکزیت آن جنبه هنری آثار خلق شده را تشدید می کند از این حیث، در حیاط مرکزی با طراحی عناصر یکنواخت، تزئینات ساده تر اشاره بر مرکزیت در حوض آب دارد. تمامی این راهکارهای طراحی در مسکن سنتی آن را به تجلی گاهی برای ظهور هر آنچه آن را به عروج می رساند، تبدیل می سازد و هریک از اجزا مظاهری از آرایه های حق تعالی می شوند و نمایشگر توحید و مراتب قرب به حق می گردند. در مسکن تاریخی زمانی که وارد حیاط مرکزی می شویم با موجودیتی متفاوت از بیرون مواجه می شویم به این معنا که انسان گذر از خارج به داخل که در سلسله مراتب فضایی مسکن سیری از کثرت به وحدت را طی می نمود. در این شکل بندی فضایی جایگاه حضور آب نقشی اساسی در این سیر و سلوک از خود داشته که در مسکن سنتی رنگ معنویت به خود می گیرد در این جا سمبل ها و نمادها بهانه است تا سایه حقیقت، متعالی گردد. هر سمبلی، حقیقتی ماورایی در درون دارد.

آب ساکن در حوض، خاصیتی بازتابنده و آینه وار دارد. هر شکل و نقشی که معمار سنتی بر نمای طرح می کند، در حوض بازتاب می یابد و با دیگر اشکال طبیعی حاضر در حیاط و البته تصویر آسمان بی انتهای شهر ترکیب می شود. از این رو، حوض آب که در مرکز خانه قرار می گیرد، زیبایی زمینی و انسان ساخت را با زیبایی طبیعی که خداوند آفریننده آن است، ترکیب می کند و این زیبایی با منشأ زمینی را با زیبایی آسمانی پیوند می دهد. بدون حوض این زیبایی ها با آنکه خودشان نیز در ترکیب و فرم شان رو به سوی خداوند دارند، اما در نهایت نمی توانند از کالبد خانه گذر کنند و به آسمان که جایگاه خداوند است، دست یابند

مصرف آب و جایگاه فضایی آن ها بررسی می شود و فضاهای مرتبط با آب مانند حوض یا آب انبار مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد.

در بخش نمونه های مسکن معاصر، در ۱۰ گونه ی مختلف به صورت خانه های شمالی، جنوبی، دو بر و ... با ابعادی متفاوت که در حال حاضر در شهر یزد ساخته شده اند. معرفی می گردند. این خانه ها غالباً در بافت مدرن محله ی صفاییه و با نمای آجر ساخته شده اند. تمامی بناهای انتخابی در فاصله ی سال ها ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ توسط مهندسی مشاور آرا، مهندسی مشاور فرا ایده پرداز محیط و شرکت مشاوره مشه یزد طراحی و اجرا شده اند.

یافته ها

تعامل ابعاد مفهومی هویت دینی و ویژگی های ظاهری آب

ابعاد مفهومی هویت دینی در خانه ی تاریخی مفاهیم «تبلور هنر»، «اخلاق»، «طبیعت»، «نور»، «رنگ» و «شفافیت» را در برمی گیرد که به ترتیب با ویژگی های ظاهری آب که عبارتند از «بازتابندگی»، «پاک کننده و مطهر»، «آفریننده و مایه ی حیات»، «بی کرانه»، «تکثر بخشی» و «فقدان کیفیت ظاهری» منطبق می شوند.

۱. تبلور هنر و خاصیت بازتابندگی آب در خانه ی تاریخی

معمار سنتی با استفاده از خطوط، اشکال و نقوش انتزاعی در سطوح و احجام بنا، بدون اشغال فضا از سنگینی عناصر معماری می کاهد و فضایی سیال و سبک و نامتناهی می آفریند که به حقایق ملکوتی دلالت دارد. آنچه که واضح است در همه خانه های سنتی وجود تقارن در نما و



(ب)



(الف)

شکل ۱: هنر نماسازی با استفاده از طاق نما در خانه های الف) گلشن و ب) اردکانیان (منبع: نگارنده، ۱۹۳۱)

۲. اخلاق و خاصیت پاک کننده و تطهیرگر آب در خانه ی تاریخی

توجه به مسائل اخلاقی در مسکن سنتی از مواردی است که همیشه جاری است. از جمله این موارد می توان توجه به بوم، فناوری، خلاقیت هنری، اقتصاد، قدرت، توجه به زمینه طراحی اشاره کرد. در زمینه نوآوری می توان گفت که تمامی تلاش معمار بر این بود تا هویت دینی و ارزش های فطری انسان در مسکن تداوم یابد در حقیقت معماری ایران از قدیم دارای چند اصل اخلاقی مطابق با اصول اسلام بوده که در مسکن سنتی مشهود است. این مسئله تا بدان جا

پیش رفته که استاد پیرنیا به مسائلی هم‌چون مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، خودبسندگی و درون‌گرایی اشاره کرده‌اند. به عنوان نمونه مردم‌واری رعایت تناسب میان اندام‌های خانه با اندام‌های انسان بوده است و براساس نیازهای او در خانه‌سازی طراحی می‌شده است. هم‌چنین در خانه‌سازی از اسراف پرهیز شده است. مقوله نیارش و پیمون نیز کاملاً در طراحی‌های مسکن تاریخی به کار گرفته شده است. در مورد خودبسندگی نیز می‌توان گفت که معماران ایرانی از مصالح بوم‌آورد استفاده می‌کردند که این کار باعث می‌شده، از هزینه‌های رفت‌وآمد کاسته شده و خانه با طبیعت پیرامون خود سازگارتر باشد.

عنصر آب در مرکز خانه‌ی ایرانی، اهمیت زیادی دارد. آب پاک‌کننده و تطهیرگر است و انسان آلوده را پاک و مطهر می‌گرداند. پاک بودن و شستشو با آب، پیش‌درآمد و مقدمه بسیاری از آیین‌ها و عبادات اسلامی است. جدا از این مساله روایات بر استحباب دائم‌الوضو بودن مؤمنان نیز تأکید کرده‌اند. آب از این جهت انسان مؤمن ساکن خانه را

برای حاضر شدن در پیشگاه خداوند آماده می‌کند و جدا از این مساله، آب درختان و پرندگان شهر را نیز سیراب می‌سازد و از این جهت اخلاق انسانی را در مقابل تمام آفرینندگان خداوند برقرار می‌سازد.

۳. طبیعت و خاصیت آفرینندگی آب در خانه‌ی تاریخی

وجود حیاط مرکزی با باغچه‌ای کوچک و حوض آبی که درون خود را داده و البته حوض، انعکاس‌دهنده هر چیزی می‌شود که در اطراف آن گردآمده است. قرارگیری آب‌نما و برش آن در قلب و کانون حیاط مرکزی با آبی سیال و انعکاس آسمان و خورشید در آن با باد موج‌آفرین و صدای ریزش آب و درون‌گرایی خانه و ایجاد امنیت و آرامش همگی مناسب تغذیه نفس روحانی و سیرت جوهری انسان می‌باشد، به تعبیر عرفانی خانه‌های سنتی درون‌گرا، سمبلی از نگاه عرفانی محسوب می‌شوند، همان‌گونه که عارفی از دنیا به محیط پیرامونش به درون دل خود نگاه می‌کند.



(ب)



(الف)

شکل ۲: ایجاد محیطی مطلوب با بهره‌گیری از طبیعت در (الف) خانه ریسمانیان و (ب) حیاط نارنجستان خانه گلشن (منبع: نگارنده)

نور را می‌توان در حوض کوچک آب خانه‌ی مسلمان نیز دید. بی‌کرانگی هستی که در حوض آب بازسازی می‌شود، نشانه‌ای دیگر از قدرت خداوند و آفریننده‌ی یکتاست که با بهره‌گیری معمار سنتی از ویژگی‌های ظاهری آب در کالبد محصور خانه‌ی ایرانی، جاری و ساری است.

۵. رنگ و خاصیت تکثیربخش آب در خانه‌ی تاریخی

بهره‌گیری از رنگ در مسکن سنتی جایگاه ویژه‌ای دارد. استفاده از رنگ توسط معمار مسلمان در واقع برقراری یک‌نوع ارتباط قوی با طبیعت می‌باشد. هنرمند با الهام از اطراف خود نظم خاصی ایجاد می‌کند که باعث هرچ‌ومرج در ذهن نمی‌شود و به آثار خود حالت روحانی و نمادی می‌دهد. در قرآن، چندین بار کلمات هم‌خانواده به معنای رنگ مشاهده می‌شود. معمار مسلمان به رنگ با دیدی عرفانی می‌نگریست که او را فراسوی زمان می‌برد

همان‌طور که استدلال شد، طبیعت عنصری مهم و شاخص در خانه‌ی ایرانی است. معمار ایرانی محیط طبیعی کنترل شده‌ای را درون خانه بازآفرینی کرده است.

۴. نور و خاصیت بی‌کرانگی آب در خانه‌ی تاریخی

یک خاصیت دیگر نور بی‌کرانگی آن است. همان‌طور که امروزه در مورد خواص فیزیکی نور می‌دانیم، نور با سرعت بالایی در فضا منتشر می‌شود و این حرکت فرای تصور انسان نیز ادامه دارد. زمانی که به ستاره‌ها نگاه می‌کنیم، نمی‌توانیم مطمئن باشیم که خود ستاره آیا همچنان وجود دارد یا نه اما نور آن ستاره میلیون‌ها سال در فضا حرکت می‌کند و به زمین می‌رسد. حضور آب اما می‌تواند این بی‌کرانگی را در کالبد محصور خانه‌ی تاریخی، بازسازی کند. زمانی که به تصویر آسمان شب یا روز در که در حوض آب بازتاب یافته است، می‌نگریم؛ شکلی از بی‌کرانه بودن

و سوق‌دهنده او در سیر و سلوک است و در به‌کارگیری رنگ‌ها، کمال دقت را داشته است؛ اما رنگ‌ها چطور به وجود می‌آیند و رؤیت‌پذیر می‌شوند؟ همان‌طور که می‌دانیم، نور خورشید، ترکیبی از تمام رنگ‌هاست و در صورت شکست نور می‌توان، نورهای مرئی رنگی که در غالب نور خورشید ترکیب شده‌اند را یافت. استفاده از رنگ در فضاهای داخلی و هارمونی و تباین انسان‌ساخت آن‌ها آرامش‌بخش دل‌هاست اما همان‌طور که در بخش تبلور هنر و خاصیت بازتابندگی آب نیز ذکر شد، این زیبایی بدون حضور آب، نمی‌تواند از کالبد زمینی آن عبور کند و جلوه‌های آسمانی یابد. نور خورشید در برخورد با حوض آب در زمانی که باد کمی سطح آن را متلاطم کند، جلوه‌هایی از رنگ می‌آفریند که در هیچ ترکیب انسان‌ساختی قابل مشاهده نیست و این قابلیت تنها در حضور آب است که امکان‌پذیر می‌شود. جدا از این مساله، بازتاب تصاویر در آب، جلوه‌ی دیگری از رنگ‌های انسان‌ساخت سطوح حیاط را نیز مشاهده‌پذیر می‌کند که بدون آب قابل رؤیت نیستند

۶. شفافیت و فقدان کیفیت ظاهری عنصر آب در خانه‌ی تاریخی

تبلور شفافیت در مسکن تاریخی یک اصل مهم هستی‌شناختی (حرکت همیشگی و تکامل حذف از یک کیفیت مادی به کیفیت روحی) نشأت می‌گیرد. تجسم این اثر در تاریخ معماری ایران سیر دائمی و تکاملی کاهش ماده و افزایش فضا است. از طرفی افزایش شفافیت در نقطه مقابل فضای بسته قرار دارد. در چنین فضایی سیر حرکت انسان و یا نگاه او در تداوم پیوسته صورت می‌گیرد. اگرچه مثال عینی برای شفافیت الگوی حیاط مرکزی خانه، ایوان‌هایی است که در بدنه حیاط مرکزی در نظر گرفته می‌شوند و به سبکی و شفافیت فضای درونی حیاط اشاره دارد؛ اما می‌توان از این منظر گفت وجود حوض درون حیاط مرکزی با فواره و آب داخل آن به غنای سبکی و شفافیت‌های درونی حیاط می‌افزاید.

از سوی دیگر آب ماده‌ای است که ویژگی ظاهری قابل‌مشاهده‌ای ندارد. نور از آن عبور می‌کند و خاصیتی همچون شیشه دارد. جدا از این مساله، فقدان کیفیت ظاهری آب، شفافیتی که مدنظر معماران سنتی بود را بیش از هر عنصر دیگری امکان‌پذیر می‌کرد، اگر ایوان با کاستن از ماده، شفافیت ایجاد می‌کرد، آب شفافیت را همچون یک ویژگی ذاتی همراه خود داشت و از این جهت دست معماری سنتی را برای استفاده از آن بدون هیچ الزام سازه‌ای و یا عملکردی باز می‌گذاشت و به زمینه‌ای عالی برای بیان معانی عرفانی و ملکوتی تبدیل می‌شد. مضمینی که در بخش‌های گذشته به آب نسبت داده شد، همه در گروی همین ویژگی شفافیت ذاتی عنصر آب است.

نتیجه‌گیری

انسان سنتی در دایره‌ای زندگی می‌کرد که تنها و تنها یک مرکز داشت، مرکزی که وحی و کلام خداوند در آن قرار می‌گرفت. معماری اسلامی نیز از همین رو به دنبال دست یافتن به کالبدی قدسی و الهی است که با طبیعت به عنوان نشانه و آیت خداوند در تطابق و هماهنگی باشد. در این میان آب عنصر مناسبی است که این تطابق را به سطحی والاتر و پیچیده‌تر ارتقا می‌دهد. جدا از آن که آب نقشی در ایستایی کالبد خانه ندارد و از این‌رو محمل مناسبی برای بیان مقاصد نمادین و زیباشناسانه است، آب در سطحی گسترده کلیت و یکپارچگی را منعکس می‌کند. باید به یاد داشته باشیم، خانه‌ی سنتی، تصویری نمادین از نظام هستی است. در واقع آنچه در حوض بی‌تلاطم خانه‌ی مرکزی دیده می‌شود، تصویری ملون و بی‌انتهای خانه‌ی است پیوند خورده با آسمان. هرچه از تصویر منعکس شده درک می‌کنیم، ناشی از ویژگی‌های شیء اصلی است و شیء اصلی که در این تمثیل در آسمان قرار دارد، از تصویرش در آینه مستقل، برتر و والاتر است. نکته اینجاست که خانه‌ی زمینی، در این تمثیل شیء اصلی نیست بلکه بازتابی از تصویری است که در دل معمار ایرانی نقش بسته و معمار تلاش کرده مشابهی از تصویر درونی‌اش را در قالب خشت و آجر بر روی زمین بیان کند. عنصر آب در مرکز خانه، این دو نمونه را از طریق نور و خاصیت بازتابندگی آب به یکدیگر پیوند می‌زند.

تبادل‌بخشی و نقش نشانه‌ای عنصر آب در بازنمایی مرکزیت هستی و منطبق شدن آن با مرکزیت خانه، به نحوی جانمایی حوض در فضا ارتباط دارد. حوض آب در خانه‌ی تاریخی عموماً در بخش مرکزی حیاط و یا در یکی از کانون‌ها و یا محورهای اصلی فضا قرار می‌گرفت. بر همین اساس استدلال شد، حوض به نوعی واجد مرکزیت نسبی در فضا است. در خانه‌های معاصر می‌توان این مرکزیت را در دو سطح متفاوت احیا کرد. در حالت اول، همان‌طور که پیش از این نیز به آن اشاره شد، با منتقل شدن حیاط به مرز میان کالبد خانه و معبر عمومی، حیاط اهمیت خود را رفته‌رفته از دست داد و مرکزیت خانه به گروه فضاهای عمومی در خانه معاصر منتقل شد. این فضاها که رفته‌رفته در هم ترکیب شدند و پیوستگی بیشتری با یکدیگر یافتند، فضاهای بسته خصوصی را به حیاط و فضای باز مرتبط می‌کنند. وضعیت آستانه‌ای فضاهای عمومی می‌تواند با ترکیب شدن فضاهای بسته عمومی با یک فضای نیمه‌باز تقویت شود. همان‌طور که مرحوم استاد پیرنیا بر آن تأکید کرده‌اند، الگوی ارتباطی فضای باز - نیمه‌باز - بسته به عنوان یک الگوی تاریخی از دوران پیشاسلامی و پس از آن در دوران اسلامی در معماری ایران وجود داشته است. در واقع هر واحد مسکونی در معماری ایران در ساده‌ترین

شکل از یک اتاق تشکیل می‌شود که به وسیله‌ی یک ایوان با حیاط و فضای باز در اختیار خانواده مرتبط می‌شود. از همین رو استدلال می‌شود، ترکیب فضاهای نیمه عمومی خانه‌ی معاصر که وضعیتی آستانه‌ای یافته‌اند می‌تواند در ترکیب با یک فضای نیمه‌باز تقویت شود.

اجزای معماری تاریخی به صورت منظومه‌ای به هم پیوسته عمل می‌کنند. اگر طراح از پیش‌بینی یک فضا برای عنصر آب که نور کافی و تهویه‌ی مناسبی دارد، غافل نماند؛ به صورت خودبه‌خود دیگر ظرفیت‌های عنصر آب که با نور و درهم‌تنیده است نیز در کالبد خانه‌ی معاصر احیا خواهد شد. انعکاس نور در آب رنگ‌هایی جذاب و سیلانی دائمی را در خانه به وجود می‌آورد که یادآور ویژگی «بی‌کرانگی» و «تکثر بخشی» عنصر آب در خانه‌ی تاریخی است.

جدول ۳: تعامل ابعاد مفهومی هویت دینی و ویژگی‌های ظاهری آب مبتنی بر حکمت اسلامی (منبع: نگارنده)

ردیف	ابعاد مفهومی هویت دینی	ویژگی‌های ظاهری آب	شرح
۱	تبلور هنر	بازتابنده	مکانیزم آب به عنوان آینه از طریق نور، عمل می‌کند، نور مطلق خداوند است و در قرآن به عنوان مهم‌ترین نماد هدایت مؤمنان معرفی شده است. آب از طریق نور است که می‌تواند تصویر زمینی وحدت یافته را، به مجموعه‌ای از کثرت‌های آسمانی پیوند بزند. این سیلان و حرکت دائمی، ترکیبی دیگر از کثرت و وحدت در معماری اسلامی است. رابطه‌ای که در تمام سطوح به اشکال متفاوتی جریان دارد اما همواره مطابق با ایده‌ی اصلی معماری اسلامی، تنها به خدا و حقیقت ذاتی او نظر می‌کند.
۲	اخلاق	پاک‌کننده و مطهر	آب در دین اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و پیش‌نیاز بسیاری از آداب و مناسک اسلامی، شستشو و پاک شدن است که بهتر است با آب انجام شود. حضور آب در مرکز خانه، همواره ساکنان را به دلیل یادآوری مناسک و وظایف مذهبی با خدا مرتبط نگاه می‌دارد.
۳	طبیعت	آفریننده و مایه‌ی حیات	فضای محصور که طبیعت و آب در مرکز آن قرار دارد، نمونه‌ای کوچک‌تر از باغ ایرانی است که در خانه‌ی سنتی بازسازی می‌شود و تمثیلی از بهشت را در مقابل خشونت و بی‌رحمی جغرافیای کویری به ساکنان ارائه می‌دهد. ساکنان خانه به دلیل ارتباط مستمر و بدون واسطه با طبیعت و مشاهده‌ی رستخیز عناصر طبیعی و گردش افلاک و شب و روز، دائماً جلوه‌هایی از حضور معبود در محیط خانه را مشاهده می‌کنند. حوض آب مرکزی، در مرکز خانه و همچون قلب خانه، روح را به درون فضاهای خانه می‌دمد و به حیاط، حیات می‌بخشد. هرگاه خانه خالی از ساکنان شود، اولین عنصر خانه که زنگار می‌بندد و کدر می‌شود، حوض آب مرکزی است. از این رو تشبیه آن به قلب خانه در پیشینه ادبیات حکمت معماری ایران، بسیار دقیق و به جا به نظر می‌رسد.
۴	نور	بی‌کرانه	نور به دسترس‌ناپذیرترین نقاط عالم نفوذ می‌کند و در حکمت اسلامی نشانه‌ای برای هدایت و وحی است. آب و ویژگی بازتابندگی آن، بی‌کرانگی نور را به بهترین نحو نشان می‌دهد.
۵	رنگ	تکثر بخش	معمار ایرانی در بازپردازی نظام هستی، تنها به تقلید عین به عین از آن راضی نمی‌شود؛ بلکه عناصر طبیعی را به نحوی در خانه به کار گرفته است که بیش‌ازپیش تفکر برانگیزد. تالاب نور در حوض آب، وحدت در کثرت عناصر خانه‌ی ایرانی را به سطحی بالاتر و برتر ارتقا می‌دهد. معماران ایرانی فیزیک آب را می‌شناسند و آن را به درون خانه می‌آورد. از سوی دیگر به این دلیل که آب در نظام ایستایی خانه، نقشی بر عهده ندارد، به ماده‌ای در دستان معمار تبدیل می‌شود تا تضادهای نمادین را نمایش دهد و مفاهیم معنایی و باطنی را در کالبد خانه هویدا و آشکار کند.
۶	شفافیت	فاقد کیفیت ظاهری	آب ماده‌ای است که از صورت مادی خود فاصله می‌گیرد و عبور از ظاهر به باطن را ممکن می‌کند. از همین رو می‌توان مشاهده کرد که چگونه ویژگی‌های باطنی آب بر ابعاد کالبدی هویت اسلامی در مسکن تأثیر می‌گذارد و آن را تقویت می‌کند و به صورت متقابل ویژگی‌های ظاهری آب، به زمینه‌ای برای ظهور ابعاد مفهومی هویت اسلامی منجر می‌شود.

منابع

- حوض تصویر آسمان را در خودش بازتاب می‌دهد و اما تصویر کالبد خانه و عناصر گیاهی نیز در احیای این ویژگی نقش مهمی دارند. با این حال نگهداری از گیاهان بیش از هر چیز به ذوق و علاقه ساکنان خانه وابسته است. در واقع ممکن است بی‌علاقگی ساکنان به گیاهان و عدم نگهداری صحیح از آن‌ها، هر خانه‌ی پر دارودرختی را نیز به بیابانی لم‌یزرع تبدیل کند؛ اما این مساله نمی‌تواند وظیفه و رسالت طراحان را در پیش‌بینی فضاهایی برای پرورش گیاه در کنار عنصر آب کمرنگ کند.
- شکل و فرم حوض به شدت به ویژگی «پاک‌کنندگی و تطهیر» مرتبط است. اگر حوض با همراه متعلقات آن، مثل پاشویه و یا جوی‌هایی برای جلوگیری از هدر رفت آب طراحی شود و به درستی با فضاهای نگهداری از گیاهان در ارتباط باشد، می‌توان از حوض برای شستشو و وضوگرفتن نیز بهره گرفت. جدا از این مساله، قرار گرفتن حوض‌خانه در کنار بخش کثیف آشپزخانه، تعامل این دو فضا را نیز در زمانی که خانواده میزبان تعداد مهمانانی بیش از معمول است ممکن می‌کند و خانه‌ی معاصر می‌تواند همچون خانه‌ی تاریخی، محلی مناسبی برای برگزاری مراسمات کوچک و بزرگ خانواده باشد.
- می‌توان در خانه‌هایی که به هر دلیلی استفاده از حوض آب ممکن نیست، برای سبک‌تر کردن وزن بصری محیط از شیشه و عناصر دکوراتیو شیشه‌ای سود جست. با این حال با توجه به گرمای هوا و اقلیم کویری شهر یزد، دیوارهای شیشه‌ای مات یا شفاف باید در مرز فضاهای داخلی استفاده شوند به هیچ عنوان استفاده از نماهای شیشه‌ای در جداره بیرونی توصیه نمی‌شود.
- از سوی دیگر «آب به عنوان پل ارتباط آسمان و زمین» از یکسو به نحوه‌ی ورود نور به فضا مرتبط است، از سوی دیگری با جانمایی حوض و اهمیت آن در نظام کالبدی خانه ارتباط دارد، شکل و فرم، ابعاد و اندازه و جنس و ماده‌ی حوض نیز به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم در احیای این ویژگی حکمی آب نقش دارند.
- با توجه به نتایج پیشنهاد می‌شود با استفاده از روش کیفی و مصاحبه با افرادی که تجربه‌ی واقعی زندگی در چنین خانه‌هایی را داشته‌اند، نحوه‌ی تاثیرگذاری عنصر آب بر زندگی ساکنان مطالعه شود. این مطالعه می‌تواند این تجربیات را با تجربیات افرادی که به‌صورت موقت در این خانه‌ها زندگی می‌کنند (با توجه به تغییر کاربری اکثر نمونه‌های موردی از مسکونی به اقامتی) و مقایسه‌ی این تجربیات با تجربه‌ی زندگی در خانه‌ی معاصر، تکمیل شود
- امین‌پور، احمد، مدنی، رامین، حیاتی، حامد، (۱۳۹۶). بررسی چگونگی تجلی آموزه‌های اسلامی در کالبد مسکن؛ نمونه موردی: خانه سنتی اقلیم گرم و خشک ایران. مدیریت شهری و روستایی، ش ۴۸، ۴۴۵-۴۶۸.
- امینیان، سیف‌الله، (۱۳۸۷). حوض‌خانه‌های کاشان. مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ و معماری و شهرسازی ایران، ج دوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- پورمند، حسن علی، (۱۳۹۳). معماری در محضر آب. کتاب ماه هنر، ش ۱۸۹، ۱۸-۲۶.
- پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۷۲). آشنایی با معماری اسلامی ایران. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- حجت، مهدی، (۱۳۷۸). واقعیت ریشه آفرینش اثر هنری. هنر، ش ۳.
- حسینی‌پناه، محبوبه، وثوق‌زاده، وحیده، (۱۳۹۸). حکمت آب و آینه در معماری اسلامی. مطالعات هنر و رسانه، دوره اول، ش ۲، ۱۴۳-۱۶۲.
- حسینی‌پناه، محبوبه، وثوق‌زاده، وحیده، (۱۳۹۸). حکمت آب و آینه در معماری اسلامی. مطالعات هنر و رسانه، دوره اول، ش ۲، ۱۴۳-۱۶۲.
- حنیف، احسان، (۱۳۹۷). مفهوم سکونت و تأثیر آن بر حیات خانه‌های ایرانی: مطالعه موردی خانه‌های کاشان دوره قاجار. اندیشه معماری، س دوم، ش ۷، ۳۱-۴۴.
- خندگی، غفیفه و عبدالرحیم قنوات و مهرداد صدقی، (۱۳۹۴). آب‌نماها در معماری سده‌های میانه ایران با تأکید بر کوشک باغ‌ها و خانه‌ها. تاریخ و فرهنگ، ش ۹۴، ۶۷-۹۰.
- خزایی، محمد، افهمی، رضا، (۱۳۸۳). نقش بیننده در فضای نگارگری ایرانی. هنر اسلامی، سال اول، ش ۱.
- شولتز، کریستین نوربرگ، (۱۳۹۲). مفهوم سکونت (به سوی معماری تمثیلی). ترجمه محمدمامیر یارمحمدی، تهران: آگه.
- طوفان، سحر، (۱۳۸۵). بازشناسی نقش آب در حیات خانه‌های سنتی ایران. باغ نظر، ش ۶، ۷۲-۸۱.
- عرب گلپایگانی، عصمت، (۱۳۷۶). اساطیر ایران باستان، تهران: هیرمند.
- فرهادی، مرتضی، (۱۳۹۰). مختصات شیء مقدس و اصل هم‌رایی قطب‌های هم‌نام: مصادیق: شیر، آب و آتش و سفیدمانی در فرهنگ ایرانی. کتاب ماه علوم اجتماعی، ش ۴۱، ۸۲-۹۵.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، (۱۳۷۴). شکل‌گیری معماری ناهید کنگاور در بستر تاریخ، در تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، جلد اول.
- موسوی لر، اشرف السادات، کاظمیان مروی، سمانه، (۱۳۹۱). جایگاه مضامین هنر اسلامی و قرآن پژوهی در پژوهش‌های دانشگاهی. مطالعات هنر اسلامی، ش ۱۷، ۶۱-۷۸.
- نایی، فرشته، (۱۳۸۱). حیات در حیات. تهران: نزهت.
- نصر، سید حسین، (۱۳۸۰). معرفت و معنویت. تهران: دفتر پژوهش و سهروردی.

- نقی‌زاده، محمد، (۱۳۸۲). مشخصه‌های آب در فرهنگ ایرانی و تأثیر آن بر شکل‌گیری فضای زیست. محیط‌شناسی، د بیست‌ونهم، ش ۳۲، ۷۱-۹۲.
- ورجاوند، پرویز، (۱۳۶۳). نقش و اهمیت برکه‌ها و آب‌انبارها در ساخت شهرهای ایران، در معماری ایران، گردآوری آسیه جوادی، ج اول، تهران: خوشه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۷۱. تابستان ۱۴۰۲

Urban management
No.71 Summer 2023

■ ۱۶۴ ■